



پستو

چهاردیوار

درس من زمزمه محبت هم بود و مادرانه و خواهرانه و خودمانی و صمیمی با دانشجویان  
برخورد می کردم و اجازه شرکت در بحث و اظهار نظر به آنها می دادم

دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ • شماره ۸۹۲

۶

یادی از سیمین دانشور در صدمین سالگرد تولدش

# ۹۰ سال تمام امیدواری

از اردیبهشت ۱۳۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۰، سیمین دانشور یکی از بزرگترین زنان در ادبیات داستانی ایران اگر امروز زنده بود صدساله می شد. کسی که اگرچه با یکی از نامهای آشنای ادبیات ایران یعنی جلال آل احمد زندگی کرد اما هیچ وقت زیر سایه نام او نبود و خود شخصیت مستقل و مهمی در ادبیات محسوب می شد. به همین بهانه رقتیم سراغ نوشته ها و گفته های سیمین درباره زندگی اش و نه کتاب هایش. چند برش کوتاه و خلاصه از یک زندگی بلند و پربار.

زهره ترابی

روزنامه نگار

## در دانشگاه

سیمین دانشور سال ۱۳۰۰ در یک خانواده فرهیخته شیرازی به دنیا آمد. او سومین فرزند محمدعلی دانشور و قمرالسلطنه حکمت بود. مادرش نقاش بود و پدرش پزشک سرشناسی که از احمدشاه لقب احیاء السلطنه گرفته بود. در همان شیراز مدرسه رفت و با معدل ۱۹٫۲۵ به عنوان شاگرد اول سراسر کشور وارد دانشگاه تهران شد. در رشته زبان و ادبیات فارسی درس خواند و تا مقطع دکتری پیش رفت. شاگرد محبوب بدیع الزمان فروزانفر بود و استاد به او لقب «دوشیزه مشکین» داده بود. سیمین دانشور هم خبرنگاری را تجربه کرد هم نویسندگی را و هم استادی در دانشگاه تهران را. از شهرت کتاب هایش زیاد گفته شده اما از محبوبیتش در دانشگاه کمتر حرفی به میان آمده: «روزی پیش از تشکیل شورای دانشکده، استادان دیگر، در حضور خودم در باره علت هجوم دانشجویان به کلاس هایم داد سخن می دادند. یکی از اساتید گفت: من موقع انتخاب دروس، می خواستم اجازه ندهم دانشجویان رشته زبان درس خانم دانشور را به عنوان واحدهای اختیاری با آزاد بگیرند تا بدعادت نشوند. دانشجویان گفتند: به صورت مستمع آزاد تا حالا رفته ایم و از این به بعد هم می رویم... استادی که خودش زن بود، این را فهمیده بود که درس من زمزمه محبت هم بود و مادرانه و خواهرانه و خودمانی و صمیمی با دانشجویان برخورد می کردم. اجازه شرکت در بحث و اظهار نظر به آنها می دادم و مشکلات روانی و خانوادگی شان را هم در خارج از کلاس در حدود امکانات، حل می کردم. اما هیچ کدام شان در نیامدند بگویند که بابا این زن سنگ تمام می گذارد، همیشه دوستان خارجی اش کتاب های مورد علاقه او را که به زبان انگلیسی درآمده برایش می فرستند و او می خواند و هر سال درسش را تکمیل می کند، مدام به کتابخانه ها سر می زند و اگر کتابی درباره هنر به فارسی چاپ شده باشد می خرد و به کتابخانه دانشکده هم صورت می دهد تا تهیه کنند. هیچ کس در نیامد بگوید درباره درسی که می دهد دانش کافی دارد و درسش را طوری انسجام می دهد و مطالبش را طوری به هم پیوند می زند که اگر دانشجویان یادداشت هم برندارند، با دست خالی - ببخشید با مغزو جان خالی - کلاس را ترک نکنند.»

## در سختی ها

زندگی عاشقانه جلال و سیمین روزهای سخت کم نداشت. بخش هایی از آن را جلال در سنجی برگوری آورده و پرده از ماجرای ناباروری شان برداشته و بخش هایی را هم سیمین در نامه تند و تیزش به جلال نوشته: «شاید سیلی از سر من گذشته باشد. از این سیل شسته رفته بیرون می آیم و در این مرز تازه آدم نوی زن نوی می شوم. به زن ایرانی هم تفهیم خواهم کرد که بایستی زن نوی بشود. من یک خشت کهنه از یک بنای مخروبه نیستم که بنا را فروبریزند و خشت را خرد کنند. من خیال می کردم فرصت ما در این دنیا کم است و چه بهتر که خودمان را با گرمای عشقی گرم کنیم و برویم و حالا در سرمای بی وفایی با ذخیره های ذهنم خودم را گرم می کنم.» مهم ترین اثرش یعنی سووشون را سال ۱۳۴۸ منتشر کرد و همسرش جلال را همان سال از دست داد. زندگی اش پستی و بلندی های زیادی داشت اما سیمین دانشور در ۹۰ سال عمرش همیشه کار کرد و همیشه امیدوار بود. جایی در مصاحبه ای درباره آثارش گفته: «این حرفی که من می خواستم بزنم یعنی راجع به نفس زنده بودن و جام زندگی را در هر شرایطی با اعتماد به نفس نوشیدن و امید. من می خواهم هر وقت همه ناامیدند امیدوار باشم... امید سرسری نه، امید واقعی.»

## در خانه

با جلال آل احمد خیلی اتفاقی و در اتوبوس آشنا شد. «جلال و من همدیگر را در سفری از شیراز به تهران در بهار سال ۱۳۲۷ یافتیم و با وجودی که در همان برخورد اول درباره وجود معادن لب لعل و کان حسن شیراز در زمان ما شک کرد و گفت تمام این گونه معادن در زمان مرحوم خواجه حافظ استخراج شده است، باز به هم دل بستیم.» بعد از ازدواج، سیمین برای ادامه تحصیل دو سال به آمریکا رفت تا در رشته زیبایی شناسی دانشگاه استنفورد درس بخواند. همان موقع جلال هم شروع کرد به ساختن خانه ای برای خودش و سیمین. کجا؟ در شمیران، دیوار به دیوار خانه نیما یوشیج. جایی که سال ها پاتوق بزرگان بود و حالا هم تبدیل به خانه موزه شده است. جلال در یکی از نامه ها درباره ساخت خانه چنین نوشته: «عزیز دلم سیمین، الان از سر ساختمان برگشته ام. مبارکت باشد... خودم هم یک پا بنا بودم و هم یک پا عمله. انواع مختلف کارهای ساختمان را کردم؛ از سر جرز آجر داشتن و جرز را بالا بردن گرفته تا آجر بالا انداختن و کار گل و آجر ساییدن و الخ.» و سیمین در جواب یکی از نامه هایش از شوق برگشتن به ایران و زندگی در آن خانه نوشته: «وقتی فکر می کنم که تو داری برای استقرار خودمان تلاش می کنی و خانه می سازی هم دلم می گیرد و هم دلم از لذت آب می شود. خانه ای که تو می سازی هر خشتش با عشق روی خشت دیگر گذاشته می شود و برای من از هر قصری مجلل تر است.»

برگ سبز خودرو وانت مزدا ۲۰۰۰ آی به رنگ بژ روشن- متالیک مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور 473036 و شماره شاسی 83NSPE04794 به شماره پلاک ۶۵ب ۸۲۴ - ایران ۷۵ به نام داریوش فتحی زاده با کد ملی ۳۱۳۱۴۴۰۷۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی خودرو دوو ماتیز مدل ۱۳۷۹ به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۱۳ ۹۵۵ق ۸۳ شماره موتور F8CU485725 شماره شاسی IR79155015177 به نام مونیک مهین مدنی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه اسناد سند کمپانی و برگ سبز وانت پیکان مدل ۸۰، رنگ سفید، شماره موتور 11518005609، شماره شاسی 80907167 به نام علیرضا ابراهیمی کسبخی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

کارت و برگ سبز خودرو تپپا مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۵۳ ۳۶۶ق ۳۸ شماره موتور 08158102 شماره شاسی NAS811100E5799173 به نام شیمیا امتیازی نابینی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

## آگهی فروش ضایعات

شرکت پارس MCS در نظر دارد، ضایعات زیر را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان شرکت در مزایده می توانند جهت بازدید از اقلام ضایعاتی و دریافت اسناد مزایده از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۲ به مدت ۸ روز در ساعت اداری به محل شرکت واقع در اصفهان منطقه صنعتی اشترجان مراجعه نمایند. تلفن های تماس: ۰۵-۳۷۶۰۸۷۰۱ داخلی ۱۱۵ و ۳۳۳

۱) حدود ۳۰۰ تن ضایعات فولادی ۲) حدود ۹۰۰۰ لیتر ضایعات روغن ۳) حدود ۱۶۰۰ کیلوگرم ضایعات کارتن، مقوا، کاغذ و ... ۴) حدود ۲۳۰ کیلوگرم انواع باتری ضایعاتی ۵) حدود ۲۴۰ کیلوگرم ضایعات رنگ پودری الکترواستاتیک ۶) حدود ۵ تن ضایعات چوبی ( پالت چوبی )

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی شرکت نور آفرینان جلفا ارس به شماره ثبت ۱۳۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۰۸۵۸۹ (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت فوق دعوت به عمل می شود تا در جلسه ای که روز جمعه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۷ ساعت ۱۶ به رعایت پروتکل های ستاد مبارزه با کرونا به نشانی: جلفا، حسینیه اباعبدالله الحسین، خیابان امام صادق تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند. دستور جلسه: ۱) گزارش عملکرد هیات مدیره ۲) انتخابات اعضاء هیات مدیره و بازر سین اعضاء و هیات مدیران شرکت نور آفرینان جلفا ارس

سند کمپانی، برگ سبز و کلیه مدارک وانت یخچالدار زامیاد Z24NIB مدل ۱۳۹۵، رنگ آبی روغنی، شماره موتور 2247195202، شماره شاسی NAZPL140BG0453565، شماره پلاک ۸۲۸ د ۲۱ - ایران ۷۶ به نام شعبانی گلرودباری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی رنو لوگان ۱۹۰، مدل ۸۶، رنگ نقره ای، شماره موتور K4MA690D020627، شماره شاسی NAPLSRALD71007086 به نام بیژن دهبور مفقود گردید و فاقد اعتبار است.